

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تحلیلی از گنورگ میرزایان
ویراستاری و ارسال: نسرين معروفی
۳۱ جنوری ۲۰۲۳

جایگاه چین در مناقشه روسیه و امریکا.

رسانه های غربی در مورد روابط واقعی روسیه و چین اختلاف نظر دارند. آیا چین در این رابطه دست بالا را دارد؟
آیا این اتحادی مبتنی بر احتیاج است؟ و دولت چین درگیری روسیه با غرب را در مواجهه با درگیری احتمالی خود چگونه می بیند؟



Gettyimages.ru iStock

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه امریکا در ماه فبروری از چین بازدید خواهد کرد و شی جین پینگ رئیس جمهور چین در ماه مارچ به روسیه سفر خواهد کرد.
امریکائی ها سعی خواهند کرد تا روی اختلافات بین مسکو و بیجینگ تکیه کنند کنند، اما اختلاف نظر واقعی کارشناسان تا چه حد است.
چین واقعاً چه می خواهد:
اتحاد خود با روسیه را حفظ کند یا از عملیات ویژه نظامی روسیه در اوکراین فاصله بگیرد؟ چین در حال حاضر مهمترین شریک سیاست خارجی روسیه است.

در سال ۲۰۲۲، تجارت بین دو کشور تقریباً یک سوم افزایش یافت و از نظر سیاسی، بیجینگ در درگیری با غرب (حداقل به طور رسمی) پشت سر مسکو قرار دارد. روابط دو کشور دقیقاً در رسانه های روسیه به این شکل منعکس شده است. از سوی دیگر در فضای اطلاعاتی غرب دیدگاه های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. برخی از کارشناسان با دیدگاه روسیه موافق هستند. "معامله چین و روسیه نشان دهنده همدلی ایدئولوژیک ساده بین دو حکومت خودکامه تجدیدنظرطلب نیست، همانطور که اغلب در غرب تصور می شود." رابرت منینگ، کارشناس ارشد سیاسی مشهور امریکائی، می گوید که این یک اتحاد عملگرایانه و تا حدی تجاری است. اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد. پس از سال ۲۰۲۲، که کاراکتر و استخوان بندی واقعی همکاری روسیه و چین آشکار شد.

به گزارش آتلانتیک، این مشارکت به هیچ وجه محور مستبدان نیست، بلکه یک مشارکت یکجانبه است که شرایط آن توسط عضو اصلی آن، یعنی شی جین پینگ، در درجه اول به نفع خود چین تعیین می شود. در نهایت هم، گروه سومی وجود دارد مانند تحلیلگران آسیا تایمز، که با تأکید بر تمایل چین برای تعادل، می نویسند: "[...] به شریک دیرینه و نزدیک خود روسیه وفادار می ماند، در حالی که تلاش می کند کشورهای اروپائی را بازدارد. تعدادی از رسانه های غربی تلاش می کنند تا به همه (هم بینندگانشان و هم به طور غیرمستقیم روس ها) القاء کنند که اهداف مسکو و بیجینگ متفاوت است. به نوعی اتحاد حاشیه نی، روسیه قدرتی برابر با ایالات متحده نیست، بلکه "یک کشور سرکش و مسلح است که به دنبال براندازی نظم بین المللی است که نمی تواند تسلط خود را بر آن نشان دهد".

در همین حال، در این شرایط، چین یک رقیب برابر با امریکا است "که می خواهد نظمی بین المللی ایجاد کند که بتواند در آن برای تسلط تلاش کند".

در این دیدگاه جهانی، رفیق شی از اقدامات مسکو ناراضی است و تقریباً طرف روسی را مجبور به توقف جنگ می کند. با این حال، این تئوری چندان هم درست نیست. این واقعیتی است که چینی ها رسماً خواهان صلح هستند.

اما همزمان، در اواخر اکتوبر ۲۰۲۲، وزیر امور خارجه وقت چین، وانگ یی، اظهار داشت که بیجینگ قویاً از طرف روسیه به رهبری رئیس جمهور پوتین برای متحد کردن مردم روسیه برای غلبه بر مشکلات و موانع استراتژیک حمایت خواهد کرد.

برای دستیابی به هدف توسعه و تقویت بیشتر وضعیت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ. باید به خاطر داشت که به قول ولادیمیر پوتین، غرب در تلاش است "روسیه تاریخی" را تجزیه و پاره پاره کند، در حالی که مسکو در تلاش است تا "مردم روسیه را متحد کند".

معنای این مواضع این است که برخی کارشناسان سخنان رئیس جمهور را اینگونه تفسیر می کنند، اتحاد مجدد سرزمین های روسیه که به طور موقت تحت کنترل اوکراین هستند با سرزمین مادری. آیا این بدین معنی هم هست که چین از این طرح های کرملین حمایت می کند؟ تا حدی، بله، زیرا رهبری چین اساساً به هدفی مشابه یعنی اتحاد مردم چین توجه دارد. بازگرداندن تابوان به زیر بال و پر سرزمین مادری یعنی بیجینگ یکی از اهداف اصلی جمهوری خلق چین است، بنابراین چینی ها عملیات ویژه روسیه را عمدتاً از این منشور می بینند.

سؤال این است که آیا این موضع گیری به دستیابی به این هدف کمک می کند یا به عکس، به چین در دستیابی به این هدف آسیب می رساند؟

در این موضوع دو دیدگاه وجود دارد. به اساس یک دیدگاه، اقدامات روسیه نسبتاً بازدارنده است. پس از آغاز عملیات ویژه نظامی، واشنگتن و تایپه با تایوان اقدامات مشابهی را انجام دادند، بنابراین دولت جزیره به طور جدی نگران امنیت خود شد و این امر باعث شد که ایالات متحده نه تنها روابط خود را با تایوان تشدید کند، بلکه همچنین سایر متحدان را ملزم به دفاع از جزیره در صورت جنگ – به ویژه جاپان – کند. علاوه بر این، ایالات متحده به طور فزاینده ای از عامل تایوان به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر چین استفاده می کند. خطرناک ترین اقدام تحریک آمیز، سفر اخیر نانسی پلوسی، رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا به این جزیره بود. و طبق دیدگاهی دیگر همه این نکات تاکتیکی است. از نظر ستراتیژیک، اقدامات مسکو به چین کمک می کند تایوان را پس بگیرد، اما تنها در صورتی که روسیه در درگیری در اوکراین موفق شود.



پیروزی مسکو بر بلوک دفاکتو کشورهای غربی، محدودیت های قدرت آمریکا را نشان می دهد و به رهبری تایوان این ایده را می دهد که اگر مسکو توانست بخش های روس نشین را از اوکراین پس بگیرد، پس بیجینگ نیز می تواند چنین کند.

بنابراین لازم است تایوان قبل از این که رهبری چین تصمیم بگیرد که گزینه های "مذاکرات دوستانه" را تمام شده اعلام کند یعنی مشابه آنچه رهبری روسیه در فبروری ۲۰۲۲ تصمیم گرفت و انجام داد، از فرصت استفاده کند و به طور دوستانه با رفیق شی مذاکره کرد.

این یکی از دلایلی است که آمریکا به شکست قطعی روسیه در اوکراین نیاز دارد و به همین خاطر آنها به تلاش برای تضعیف روسیه با دستکاری در همکاری چین و روسیه ادامه خواهند داد.

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه در روزهای ۵ تا ۶ فبروری برای مذاکره با همتای چینی خود، کین گانگ، که تا همین چند هفته پیش سفیر چین در ایالات متحده بود، به چین خواهد رفت.

رسانه های غربی مطمئن هستند که بلینکن از طرف چینی درخواست خواهد کرد که حمایت خود از روسیه (از جمله کانال های غیررسمی) را کاهش دهد.

برخی کارشناسان به وزیر امور خارجه توصیه می کنند که بر تهدیدات تمرکز نکنند، بلکه سعی کند از "خطوط گسل روسیه و چین" استفاده کند در واقع روی نکاتی که رویکردهای مسکو و بیجینگ در مورد آنها با یک دیگر متفاوت هستند انگشت بزند.

در مجموع، وزیر امور خارجه تلاش خواهد کرد تا به همتای چینی خود بگوید که هرچه حمایت چین از روسیه کمتر شود، نقاط اصطکاک امریکا و چین کمتر خواهد شد.

برای چین، این یک استدلال قابل فهم است. در واقع، بیجینگ بیمناک درگیری با ایالات متحده است. چارلز دانست، محقق مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین‌المللی ایالات متحده می‌گوید: "حمایت لفظی چین از روسیه روشن و بی‌پرده است، اما این حمایت از نظر نظامی و اقتصادی بسیار ضعیف‌تر است". ایالات متحده به طور مرتب هشدار می‌دهد که حمایت نظامی و اقتصادی از روسیه منجر به تحریم‌های ایالات متحده خواهد شد. و چین که "اقتصادش در وضعیت حساسی است، سعی می‌کند از این وضعیت اجتناب کند". چینی‌ها ترس خود را با بیان این که زمان به نفع آنهاست توجیه می‌کنند.

آنها می‌دانند که درگیری با ایالات متحده اجتناب‌ناپذیر است، اما لحظه‌روپاروئی مستقیم را به تأخیر می‌اندازند تا از بازار امریکا حداکثر استفاده را ببرند و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را تقویت کنند، تا حدی هم به لطف بحران اوکراین.

در این راستا، تحلیل آسیا تایمز نشان می‌دهد که بیجینگ خود را به عنوان جزیره‌ای از ثبات در میان ابحار ناآرام قرار می‌دهد. از طرف دیگر، بلینکن کمی بلوف می‌زند.

امریکائی‌ها در حال حاضر درگیری و رویاروئی مستقیم با بیجینگ را لازم ندارند. آنها نیز مانند بیجینگ این را یک برخورد اجتناب‌ناپذیر می‌دانند – ولی سعی می‌کنند آن را به تعویق بیندازند.

ایالات متحده نمی‌خواهد در دو جبهه بجنگد و قصد دارد ابتداء بحران اوکراین را قبل از برخورد کامل با چین حل کند. این جنبه تحلیل، در صورت شکست احتمالی روسیه در اوکراین وضعیت را برای جمهوری خلق چین فاجعه‌بار می‌کند، ولی آگاهی چین و روسیه به این نکته در عین حال برنامه‌های غرب را برای شکاف بین مسکو و بیجینگ غیر عملی می‌کند.

شی جین‌پینگ در ماه مارچ به روسیه سفر خواهد کرد و پس از آن، احتمالاً روابط چین و روسیه ارتقاء بیشتری خواهد یافت.